



Knowledge Improvement

زبان فرانسه در ایران

[پیشینه و موقعیت کنونی]



نیکخواه بهرامی، دانشجوی دکتری زبان فرانسه
هدا بارخ نیا، کارشناسی ارشد زبان فرانسه
زیر نظر دکتر ژاله کهنمویی پور، عضو هیئت علمی
دانشگاه تهران و هیئت تحریریه مجله رشد آموزش زبان خارجی

چکیده

با توجه به انتشار صدمین شماره مجله «رشد آموزش زبان»، و با در نظر گرفتن این که معلمان زبان فرانسه همواره در این نشریه فعال بوده و به طور متوسط در هر شماره یک مقاله درباره آموزش زبان فرانسه، مسائل مربوط به آن و جایگاه آن در دنیا و خاورمیانه منتشر کرده‌اند، لازم دانستیم که در این شماره ویژه، پیشینه‌ای از آموزش زبان فرانسه در ایران ارائه دهیم. زبان فرانسه که امروز در کشور ما با فاصله بسیار زیادی از زبان انگلیسی، جایگاه زبان دوم خارجی را به خود اختصاص می‌دهد، زمانی زبان خارجی اول کشور ایران محسوب می‌شد. لازم به ذکر است که این امر خاص کشور ما نیست و در اقصا نقاط جهان شاهد کاهش جایگاه نخستین این زبان هستیم. در عین حال می‌بینیم که امروزه گرچه زبان انگلیسی زبان بین‌المللی اول است، اما در برخی مجامع بین‌المللی، زبان فرانسه پایه‌ی زبان انگلیسی پیش می‌رود. برای مثال، در مسابقات بین‌المللی و در سازمان ملل این زبان جایگاه خود را حفظ کرده است. در این مقاله ابتدا ضمن بیان تاریخچه زبان فرانسه و کشورهای فرانسوی زبان که در اصطلاح به آنها کشورهای «فرانکوفون» گفته می‌شود، به بررسی پیشینه استقرار این زبان در ایران، دلایل استقرارش به عنوان زبان خارجی اول و سپس دوم در زمینه‌های سیاسی و علمی می‌پردازیم و هم‌چنین نگاهی اجمالی به عوامل مؤثر در افول و جای‌گزینی آن با زبان انگلیسی خواهیم داشت. پس از آن، وضعیت آموزش زبان فرانسه را در ایران بعد از انقلاب اسلامی، مسائل آموزش زبان فرانسه در دبیرستان‌های کشور، و مواردی را که در زمینه زبان فرانسه نیازمند آسیب‌شناسی هستند، شرح می‌دهیم. در خاتمه به راهکارهایی برای بهبود روند آموزش زبان فرانسه اشاره خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: زبان، زبان فرانسه، تدریس زبان.



پیشینه تدریس زبان فرانسه و احداث مدارس فرانسوی در ایران به حدود ۳۰۰ سال پیش می‌رسد. از آن زمان در کشور ما زبان فرانسه آموزش داده می‌شد. در دوره قاجار، این زبان به عنوان زبان اول خارجی به کار می‌رفت

نخستین مراحل ارتباط زبانی و فرهنگی ایران و فرانسه در فرانسه با تأسیس گروه عربی در سال ۱۵۸۷ در مدرسه سلطنتی^۶، برخی دانشمندان و اهل قلم به یادگیری زبان فارسی علاقه‌مند شدند. **پیرویکتور کایه**^۷ در سال ۱۵۹۶ در کتاب خود «Paradigmata de quatuor linguis»، قطعه ترجمه شده‌ای از یک شعر کوتاه فارسی را آورد. این نخستین باری بود که شعر فارسی در کتابی به قلم نویسنده‌ای فرانسوی تبار آورده می‌شد. **فرانسوا سواری**^۸، یکی از کنت‌های فرانسوی بود که در سالهای ۱۵۹۱ تا ۱۶۰۶ عنوان سفیر فرانسه در قسطنطنیه را داشت. او به هنگام بازگشت با خود دهها دست‌نوشته فارسی را که از دانشمندان ترک خریداری کرده بود، به فرانسه برد. سواری قصد داشت این دست‌نوشته‌ها را ترجمه کند، ولی در فرانسه به علت وجود مشکلات فنی متعدد این مهم میسر نشد. زمانی که مجدداً با پست سفیر به رم اعزام شد، در آنجا از فردی ترک‌تبار که به چندین زبان تسلط داشت، برای چاپ این دست‌نوشته‌ها کمک گرفت. او می‌خواست از این مطالب در مدرسه‌ای که در نظر داشت در فرانسه تأسیس کند و در آن سه زبان فارسی، عربی و ترکی تدریس شود، استفاده کند. از همین‌رو خود به آموختن زبان فارسی مبادرت ورزید، ولی متأسفانه با وجود این که امکان چاپ خط نستعلیق هم برایش فراهم شد، بخت او را یاری نکرد و با **مرگ هانری چهارم**، او هم عزل شد و نتوانست به این قصد جامعه عمل ببوشاند. خودنیز در سال ۱۶۲۸ دار فانی را به درود گفت. هدف سواری را متخصص دیگر ادبیات شرق، **اتین اوبر**^۹، استاد زبان عربی در مدرسه سلطنتی و برادرش که به امر گردآوری تعداد زیادی دست‌نوشته‌های فارسی مبادرت ورزیده بود و بعدها آنها را به کتابخانه سلطنتی واگذار کرد، پی گرفتند. آنها یک لغت‌نامه عربی نیز تدوین کردند که در آن تعداد بی‌شماری کلمه فارسی که وارد زبان عربی شده بود، وجود داشت. تا زمانی که هیچ‌گونه روابط مستقیمی بین ایران و فرانسه برقرار

جایگاه زبان فرانسه در جهان امروز

زبان فرانسه یکی از زبانهای رومی است که ۱۳۶ میلیون نفر در سراسر جهان به آن تکلم می‌کنند. حدود ۱۹۰ میلیون نفر، زبان فرانسه را به‌عنوان زبان دوم صحبت می‌کنند و ۲۰۰ میلیون نفر دیگر هم از آن به‌عنوان زبان دوم اکتسابی بهره می‌گیرند. گویشوران زبان فرانسه در ۵۷ کشور و قلمرو حضور دارند. اکثر آنها بومی این زبان در فرانسه‌اند که مبدأ این زبان محسوب می‌شود. سایرین به‌طور عمده در کانادا، بلژیک، سوئیس، لوکزامبورگ و مناطقی در برخی ایالت‌های آمریکا، از جمله «لوئیزیانا» حضور دارند. بیشتر افرادی که فرانسه، زبان دوم آنها محسوب می‌شود، در آفریقای فرانسه زبان زندگی می‌کنند؛ آفریقای شمالی که به جرئت می‌توان گفت تعداد آنها از گویندگان بومی بیشتر است. کانادای فرانسه زبان، منطقه فرانسه زبان کاناداست که عمدتاً از کبک^۱ و «برانزویک»^۲ و هم‌چنین انتاریو و جنوب مانیتوبا تشکیل شده است.

زبان فرانسه پس از زبانهای اسپانیایی و پرتغالی سومین زبان پرگویش و از خانواده زبانهای رومی است. زبان فرانسه، زبان رسمی ۲۹ کشور است که از این تعداد ۱۲ کشور فقط یک‌زبان‌اند و ۱۷ کشور علاوه بر زبان فرانسه به دیگر زبانها نیز تکلم می‌کنند. می‌توان گفت زبان فرانسه پیش از جنگ جهانی دوم، به‌خصوص در زمینه‌های دیپلماسی، تجارت و حمل و نقل، زبان بین‌المللی به حساب می‌آمد.

زبان کرئول

زبان کرئول^۳ در زبان‌شناسی به لهجه و گویشی خاص اطلاق می‌شود که از تغییرات به‌وجود آمده در سیستم زبانی جامعه‌ای خاص شکل می‌گیرد. این گویش که وسیله ارتباطی آن جامعه محسوب می‌شود، شکل ناقص و غیرکاملی از ساختار زبان مبدأ، یعنی فرانسه یا انگلیسی یا اسپانیولی است که از طریق استعمار وارد جامعه جدید شده، و با گویش محلی آن جامعه درهم آمیخته است. به‌عبارت ساده‌تر، اساس تغییرات ساختاری را که به گویش کرئول منجر می‌شود، می‌توان در تأثیر زبان مادری اعضای آن جامعه روی زبان وارداتی جست‌وجو کرد. از نمونه‌های زبان کرئول می‌توان به زبان فرانسه‌ای که سیاه‌پوستان در جزایر «آنتیل»^۴، «گویان»^۵ لوئیزیانا و یا حتی مناطقی در اقیانوس هند صحبت می‌کنند، اشاره کرد.

کرئول گویشی محلی و منطقه‌ای است که بعد از شکل‌گیری، به زبان مادری نسل‌های بعدی مناطق تحت استعمار تبدیل شده است. این گویش ادبیات خاص خود را نیز دارد. بسیاری از نویسندگان و شعرای کشورهایی که زمانی مستعمره بودند، به این زبان شعر می‌گویند و رمان می‌نویسند.

نشده بود، یادگیری زبان فارسی برای فرانسویان بسیار دشوار بود و آنها برای این کار باید زمانی طولانی را در ترکیه، خصوصاً در قسطنطنیه می‌گذراندند. سالهای زیادی باید طی می‌شد تا شرایط مطلوب پیش آید.

در سال ۱۵۸۷، شاه‌عباس اول بر تخت پادشاهی نشست و دو سال بعد هانری چهارم نیز پادشاه فرانسه شد. هر دو پادشاه وارث کشوری پر هرج و مرج بودند و هر دو توانستند به‌واسطه برقراری نظم و صلح، حکومتی مستحکم را برقرار سازند. آرامش ایجاد شده در دو کشور باعث شد باب ارتباط با اروپاییان، به‌ویژه فرانسویان، گشوده شود و تعداد زیادی مسافر از این کشورها به ایران آمدند و برای نخستین بار از نزدیک در ارتباط مستقیم با فرهنگ و تمدن ایرانیها قرار گرفتند.

نقش جهان‌گردان

برای شناختن ایران همواره موانع متعددی راه را بر جهان‌گردان ناهموار می‌ساخت. در سال ۱۶۶۰، مقارن با سلطنت صفویان، توجه خیل عظیمی از جهان‌گردان به این سوی جهان جلب شد و فصل جدیدی از مفهوم پارس و پارسیان در جهان مطرح گشت. همه آرزوی دیدن سرزمین پارس را در سر می‌پروراندند: سفرنامه‌های متعدد نگاشته شدند که شامل مشاهدات جهان‌گردان از آداب و رسوم، جغرافیا، هنر، بازرگانی و تاریخ ایران بودند؛ تاریخی که تا قرن ۱۸ میلادی در زمره پرترفدارترین نوع نوشتار در میان فرانسویان قرار داشت. در این میان می‌توان از اولین جهان‌گردان این دوره از شوالیه شاردن، تاورنیه و کنت دو گوبینو نام برد که به‌ویژه گوبینو نقش بسزایی در معرفی کشور فرانسه و زبان فرانسه به ایرانیان داشت. به‌دنبال نوشته‌های این جهان‌گردان، امکان برقراری ارتباطات وسیع‌تر در زمینه‌های علمی، فلسفی و سیاسی و اجتماعی فراهم آمد.

تدریس زبان فرانسه در ایران

پیشینه تدریس زبان فرانسه و احداث مدارس فرانسوی در ایران به حدود ۳۰۰ سال پیش می‌رسد. از آن زمان در کشور ما زبان فرانسه آموزش داده می‌شد. در دوره قاجار، این زبان به‌عنوان زبان اول خارجی به‌کار می‌رفت. در زمان رضاخان، با اعزام دانشجو به کشور فرانسه برای تحصیل در رشته‌های گوناگون، اعتبار و اهمیت زبان فرانسه در ایران بسیار بیشتر از گذشته شد؛ تا آن‌جا که دانستن زبان فرانسه در خانواده‌های متمول و رجال یک ضرورت محسوب می‌شد. اکثر فرزندان این خانواده‌ها از معلمان خصوصی برای آموزش این زبان بهره می‌بردند. از نظر فرهنگی و سیاسی، نقش زبان فرانسه و آن دسته از ایرانیانی که به این زبان سخن می‌گفتند، بسیار حائز اهمیت است.

زبان فرانسه در قرن ۱۹ میلادی در ایران ریشه دواند. در طول دوران حکومت سه پادشاه آخر قاجار، اندیشمندان، اهل‌قلم و هم‌چنین صاحبان صنعت و طبقه متوسط، به فراگیری این زبان تمایل نشان دادند. در همین دوران بود که اولین ایرانیان برای تحصیلات آکادمیک و شناخت بهتر تمدن غرب، به خارج از کشور به‌خصوص به کشور فرانسه عزیمت کردند. تمام این عوامل دست به دست هم دادند و از زبان فرانسه، زبانی با اثرگذاری غیرقابل انکار در زمینه‌های متفاوت علمی، سیاسی، اجتماعی، فلسفی و غیره پدید آوردند.

پیش از این‌که به جایگاه زبان فرانسه به‌عنوان زبان خارجی در مدارس ایران قبل از انقلاب شکوهمند اسلامی و پس از آن



یکی از مواردی که به

اشاعه زبان فرانسه

در ایران کمک کرد،

تأسیس مدرسه دارالفنون و مطرح شدن

ترجمه در ایران است. بی‌شک ترجمه

آثار خارجی به زبان فارسی تاریخی

دیرینه دارد. وجود فرهنگهای متعدد

لغات به زبانهای گوناگون که قدمت آنها

حتی به زمان ساسانیان می‌رسد، گواه بر

اهمیت ترجمه در کشور ماست

بپردازیم، بهتر است به بیان تاریخ ارتباط بین ایران و فرانسه و آموزش این زبان در ایران اشاره کنیم. در این راستا به‌عنوان نمونه، به معرفی کوتاه مدارس فرانسه زبان قبل از انقلاب، مانند مدرسه «سن لوئی»، «ژاندارک»، «مریم» و «رازی» اکتفا خواهیم کرد.

نقش دارالفنون و ترجمه در اشاعه زبان فرانسه در ایران

یکی از مواردی که به اشاعه زبان فرانسه در ایران کمک کرد، تأسیس مدرسه دارالفنون و مطرح شدن ترجمه در ایران است. بی‌شک ترجمه آثار خارجی به زبان فارسی تاریخی دیرینه دارد. وجود فرهنگهای متعدد لغات به زبانهای گوناگون که قدمت آنها حتی به زمان ساسانیان می‌رسد، گواه بر اهمیت ترجمه در کشور ماست.

در قلمرو ترجمه‌های فرانسه-فارسی، می‌توان به مطالعات فرانسیس ریشاد اشاره کرد که ما را به منبع آشنایی با زبان فارسی در کشور فرانسه رهنمون می‌شود. احداث مدرسه ترجمه در تبریز توسط عباس میرزا را نیز می‌توان دلیل دیگری بر اهمیت ترجمه در ایران دانست. عباس میرزا دستور ترجمه اغلب کتابهای اهدایی ناپلئون بناپارت را که بخش اعظم آن به موضوعات تاریخی اختصاص داشت، داد که در این میان می‌توان به «تاریخ پطر کبیر»، «تاریخ اسکندر» و «تاریخ شارل دل دوازدهم»، پادشاه سوئد اشاره کرد.

ولی در زمینه ترجمه، دارالفنون اثربخش‌ترین نقش را در ترجمه کتابهای اروپایی به زبان فارسی ایفا کرده است. نه تنها تمام استادان اروپایی ملزم به ترجمه کتابهای موضوع تدریس خود به فارسی برای ارائه در کلاس بودند که حتی استادان ایرانی دارالفنون نیز از این قاعده مستثنا نبودند و باید کتابهایی را که مطالعه می‌کردند،

از زبان مرجع به زبان فارسی برمی‌گرداندند. بدین ترتیب بود که امر ترجمه دامنه وسیعی در پایتخت و شهرهای حومه پیدا کرد. لازم به ذکر است که در این‌جا نیز کتابهای زبان فرانسه اولویت اول را در ترجمه به فارسی داشتند.

ناصرالدین‌شاه شخصاً به کتابهای تاریخ و روزنامه‌های فرانسوی علاقه‌مند بود و ترجمه آنها به دستور او صورت می‌پذیرفت. هم‌چنین اعتمادالسلطان، وزیر انطباعات زمان، شخصاً موظف به خواندن و ترجمه کردن بود و همه‌روزه رأس ساعت مشخصی، روزنامه‌های شهرستانهای فرانسه را مطالعه می‌کرد. ناصرالدین‌شاه به زبان فرانسه به اندازه‌ای که برای خواندن روزنامه‌ها کافی بود، آشنایی داشت. او یادگیری زبان فرانسه را نزد مبلغین مذهبی در تبریز آغاز کرد و در طول دوره سلطنت خود، تحت نظر دکتر کلوکه^۱، معتمدالملک و اعتمادالسلطنه ادامه داد. بدین‌سان تعداد قابل ملاحظه‌ای کتابهای فرانسه در زمینه‌های متعدد در نیمه دوم قرن نوزدهم به زبان فارسی برگردانده شدند.

از میان مترجمان پرکار و مشهور این عصر می‌توان از میرزا کاظم محلاتی نام برد که از اولین شاگردان مدرسه دارالفنون بود. او کتابهای «جنگ بین آلمان و فرانسه» و «جنگ بین ترکیه عثمانی و روسیه» و دو کتابچه در زمینه‌های شیمی و فیزیک ترجمه کرد. نام‌برده پس از این‌که دیپلم خود را از تهران گرفت، به قصد ادامه تحصیل عازم کشور فرانسه شد. در بازگشت به وطن در سال ۱۸۶۲، به تدریس درس شیمی و فیزیک در دارالفنون مشغول شد. تدریس او آن‌چنان با شور و اشتیاق توأم بود که پس از مدتی به او لقب «موسیو شیمی» دادند.

دارالفنون یکی از اولین مدارسی است که در ایران به سبک و سیاق دانشگاه‌های اروپایی تأسیس شد. از آن‌جا که از همان ابتدا استادان آن یا فرانسوی‌تبار بودند یا از ایرانیانی محسوب می‌شدند که در فرانسه تعلیم یافته بودند، به مرکزی برای اشاعه زبان فرانسه تبدیل شد. دارالفنون سرچشمه به اصطلاح فرهنگ مدرن و اولین مدرسه پلی‌تکنیک ایران به معنی اخص کلمه تا افتتاح دانشگاه تهران در سال ۱۹۳۴ محسوب می‌شود.

در طول ۴۰ سال، ۱۱۰۰ دیپلمه از این مدرسه فارغ‌التحصیل شدند و به مدارج عالی سیاسی و علمی در ایران و خارج نائل آمدند. احداث دارالفنون فصل نوینی از تاریخ ایران جدید را گشود و از آن می‌توان به عنوان اولین نهاد تعلیم و تربیت ملی نام برد. بسیاری از مورخان، نقش دارالفنون را در نشر زبان فرانسه و علوم جدید در ایران، نقشی پررنگ و اساسی ارزیابی می‌کنند. زبان فرانسه که به واسطه دارالفنون نشر یافت، بعدها به زبان یادگیری علم و فنون جدید در کشور ما تبدیل شد.



کرنول گویشی محلی و منطقه‌ای است که بعد از شکل‌گیری، به زبان مادری نسلهای بعدی مناطق تحت استعمار تبدیل شده است. این گویش ادبیات خاص خود را نیز دارد. بسیاری از نویسندگان و شعرای کشورهایی که زمانی مستعمره بودند، به این زبان شعر می‌گویند و رمان می‌نویسند

پیشینه مدارس فرانسوی زبان در ایران

در اوایل حکومت قاجار، فرانسویانی به ایران آمدند که سهم بسزایی در نشر زبان و آداب و رسوم کشورشان ایفا کردند. مشهورترین آنها ژول ریشار^{۱۱} بود که به قصد سفری سیاحتی به ایران آمد. او ابتدا فرانسه را به صورت پراکنده آموزش می‌داد، ولی با تأسیس دارالفنون، با لقب پروفیسور فرانسه کار خود را شروع و تا آخر عمر خود این پست را حفظ کرد. در دارالفنون اغلب درسها به زبان فرانسه تدریس می‌شدند.

در سال ۱۸۵۸ در تبریز مدرسه دیگری مشابه دارالفنون با تکیه بر آموزش نظامی و علمی تأسیس شد. بیشتر مدرسان آن فرانسوی یا دیپلمه دارالفنون بودند.

«مشیریا» نام مدرسه دیگری است که در آن زبانهای اروپایی تدریس می‌شد، ولی اطلاع چندانی از آن در دست نیست. در سال ۱۸۸۲ در اصفهان یک مدرسه نظامی به نام «مدرسه همایونیه» (مدرسه سلطنتی) تأسیس شد که الگوی تأسیس مدرسه‌های مشابه در تهران در دو سال بعد از آن شد. اغلب مدرسان این مدرسه فرانسوی تبار بودند.

در سال ۱۸۶۰ برای نخستین بار در ایران مدرسه‌ای به نام «مدرسه سن لویی» با همکاری فرانسویان تأسیس شد که فقط به تربیت پسران می‌پرداخت. در سال ۱۸۶۵، خواهران سنون و سان دو پل^{۱۲} نیز «مدرسه سن ژوزف» را برای دختران جوان در ارومیه، سلماس، تبریز و اصفهان دایر کردند. ده سال بعد در سال ۱۸۸۱ در تهران مدرسه‌ای توسط خانم ژان دیولفو^{۱۳} و همسرش تأسیس شد.

لازاریست‌ها در سال ۱۸۹۶ در ارومیه کالجی با ظرفیت ۴۲ شاگرد، و در سال ۱۸۹۹ مدرسه‌ای برای ۱۳۰ دختر جوان دایر کردند. بعد از آن در سال‌های ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ مدرسه‌ای بزرگ در ارومیه برای دختران تأسیس شد که شاگردان فرانسوی نیز در آن به تحصیل اشتغال داشتند.

در سال ۱۹۰۰، «مدرسه ژاندارک» در تهران به وسیله کاتولیک‌ها تأسیس شد. چند سال بعد از آن، «مدرسه مریم» یا «انستیتو مریم» که آن را نیز راهبه‌ها اداره می‌کردند، دایر شد. در این دو مدرسه تا سال ۱۳۵۷ تمام درسها در دو نوبت صبح و بعدازظهر، به زبانهای فارسی و فرانسه به دانش‌آموزان تدریس می‌شد.

علاوه بر این مدارس دوزبانه، تدریس زبان فرانسه به صورت رسمی از سال ۱۹۲۶ در برخی دبیرستانهای ایران متداول شد. همچنین، «انجمن ایران و فرانسه» نیز به عنوان یک مؤسسه خصوصی به علاقه‌مندان یادگیری زبان فرانسه این زبان را آموزش می‌داد.

جایگاه زبان فرانسه در ایران امروز

پس از جنگ جهانی دوم و تغییرات سیاسی در تمام دنیا، زبان انگلیسی اندک‌اندک جای‌گزین زبان فرانسه در ایران شد. از آن زمان تاکنون، زبان فرانسه حضور خود را بعد از زبان انگلیسی در آموزش دوره متوسطه و عالی حفظ کرده است. گرچه امروزه تعداد دانشجویانی که سالانه برای تحصیل در این رشته راهی دانشگاه‌های سراسر کشور می‌شوند، نسبتاً قابل توجه است، ولی نمی‌توان این واقعیت را کتمان کرد که این زبان در کشور ما، نسبت به زبان انگلیسی به تدریج سیر نزولی داشته است. البته برتری زبان انگلیسی از نظر جلب زبان‌آموز خاص کشور ما نیست، بلکه در همه دنیا زبان انگلیسی در رقابت با زبانهای دیگر حرف اول را می‌زند؛ چون زبان بین‌المللی اول است.



دارالفنون یکی از اولین مدارسی است که در ایران به سبک و سیاق دانشگاه‌های اروپایی تأسیس شد. از آن جا که از همان ابتدا استادان آن یا فرانسوی تبار بودند یا از ایرانیانی محسوب می‌شدند که در فرانسه تعلیم یافته بودند، به مرکزی برای اشاعه زبان فرانسه تبدیل شد. دارالفنون سرچشمه به اصطلاح فرهنگ مدرن و اولین مدرسه پلی تکنیک ایران به معنی اخص کلمه تا افتتاح دانشگاه تهران در سال ۱۹۳۴ محسوب می‌شود

9. Etienne Hubert
10. Cloquet
11. Jules Richard
12. Saint-Vincent de Paul
13. Mme Jeanne Dieulafoy



نتیجه

در این مجال از ورای اتفاقات تاریخی سعی شد به صورت اجمالی پیشینه زبان فرانسه در ایران بازگو شود. به عنوان نتیجه گیری می توان از سه دوره مشخص در «تاریخ زبان فرانسه در ایران» نام برد:

■ اولین دوره در قرن هفدهم میلادی آغاز می شود و تا اواسط قرن هجدهم ادامه دارد. این زمان نخستین برخوردهای بین فرهنگی رخ می دهند و مسافران و بازرگانان فرانسوی بیشترین نقش را در آن داشتند.

■ دومین دوره بلافاصله پس از دوره اول شروع می شود؛ یعنی از حکومت قاجاریان که تا جنگ جهانی دوم ادامه می یابد. در این زمان اشاعه زبان فرانسه به مراتب بیش از زبان انگلیسی بود و چند مدرسه فرانسه زبان در ایران تأسیس شدند. از میان مراکز یادگیری زبان فرانسه می توان مدارسی چون سن لوئی، رازی، انستیتو مریم و ژاندارک را نام برد.

■ سومین دوره از اواخر جنگ دوم جهانی آغاز شد و تاکنون نیز ادامه دارد. این دوره مقارن با تحولات بزرگ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در ایران است.

از شروع قرن بیستم و به خصوص بعد از جنگ جهانی دوم، از اهمیت زبان فرانسه که تا آن زمان، زبان خارجی ایرانیان محسوب می شد، کاسته شد. از دلایل کاسته شدن اقتدار زبان فرانسه کار نبودن مدرک کارشناسی این زبان هنگام استخدام بود. به علاوه، همه جا به زبان انگلیسی اهمیت داده می شود، چون کارآیی وسیع آن در سطح جهانی مطرح است.

البته نباید از رقابت زبان فرانسه با زبان انگلیسی سخن گفت، چون انگلیسی در دنیا زبان اول بین المللی است. اما با توجه به نزدیک شدن ملتها به یکدیگر، دنیا به سوی چندزبانی شدن پیش می رود و در چنین موقعیتی، یادگیری زبان فرانسه حائز اهمیت است. در این میان نباید فراموش کرد که آموزش زبانهای خارجی در دوره متوسطه نیازمند بازنگری است تا نتایج آن کاربردی تر شود. امید است آموزش زبان دوم به ویژه زبان فرانسه در سطح دانشگاه نیز ارتقا یابد.

پی نوشت

1. Qvébec
2. Brunswick
3. Créole
4. Antilles
5. Guyane
6. Collège Royale
7. Pierre Victor Cayet
8. François Svary



منابع

- ANET Claude, Feuilles Persanes, Paris, Gasset, 1924,
- DEHKHODA "Ali-Akbar, Loghat-nâme, Teheran, Ed. De l'Univresité, article Dâr-ol-Fonûn, 2002.
- FARAHVASHI Hossein, introduction à Itinéraire de DIEULAFOY à l'époque de Qadijar, Ed. Khayam, Téhéran, 1982.
- HUCHON Mireille, Histoire de la langue française, Le Livre de poche, 2002.
- MOHIT-TABATABA'I Mohammad, (Dâr-ol-Fonûn) in Shafaq, Téhéran, 1934.
- Madjalle-ye Talim va Tarbîyat (Le magazine de l'enseignement et de l'éducation) vo. IV, n6, p. 361.
- Petit Robert 2, Dictionnaire universelle des noms propres, Paris, 1987, p. 661.
- RICHARD Francis, "Aux origines de la connaissance de la langue persane en France" in, Luqmân III, Téhéran, automne-hiver, 1986-7.
- ROUHBAKHSHAN A. "Le rôle du Dâr-o-fonud dans l'expansion du français en Iran" in, Luqmân III, n2, Téhéran, printemps-été 1987.
- HADIDI Javad, "Les premières rencontres entre l'Iran et al France" in, Luqmân XIII, n2, Téhéran, printemps-ete 1997.
- NAVVABI Davud, "L'enseignement du francais en Iran" in, Luqmân III, n2, Téhéran, printemps-été 1997.
- SOLTAN-ZADEH Hossein, "Tarîkh-madâres-e Iran (l'histoire des écoles en Iran)" in, Téhéran, Ed. Agâh, 1985.
- SHEIKH-REZAII Ansieh, Gangineh Asnaad, Téhéran, 1992, n3-4.
- <http://anthropology.ir/node/808>
- <http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B2%D8%A8%D8%A7%D9%86%D9%81%D8%B1%D8%A7%D9%86%D8%B3%D9%88%DB%8C>
- <http://www.immi-center.com/history%20of%20canada.htm>
- <http://our-world.blogfa.com/post-71.aspx>
- <http://www.paysdefrance.blogfa.com/post-46.aspx>
- <http://www.paysdefrance.blogfa.com/post-43.aspx>
- <http://daneshnameh.roshd.ir/mavara/mavara>
- http://www.pcparsi.com/آموزش_زبان_فرانسه_قسمت_اول_886.html
- <http://www.Sabalan.fr/doc/Sabalan.fr>
- [Apprentissage en Iran.pdf](http://www.sabalan.fr/doc/Sabalan.fr_LyceerAZI.pdf)
- http://www.sabalan.fr/doc/Sabalan.fr_LyceerAZI.pdf